

سپیدکام

نشره سازان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) سال اول شماره

بها ۱۰ ریال

اول دی ماه ۱۳۶۴



جوانان فدایی در تدارک جشنهای پانزدهمین سالگرد

نوزدهم بهمن، پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پیش است. فدائیان خلق در همه جای کشور و در چهار گوشه جهان خود را برای برگزاری این روز بزرگ آماده میسازند آنچه این مراسم گرامی داشت را بیش از هر زمانی اهمیت می بخشد، شرایطی است که جامعه مادر آن بسر می برد. رژیم خمینی دیکتاتور خونیستی را بر سر تاس میهن ما حاکم گردانده و با دست زدن به جنایات بیسابقه ای میکوشد سازمانهای انقلابی را درهم بشکند و جنبش مردم را سرکوب کند. علیرغم این دیکتاتور خونیستی، رژیم مردم بیشتر در برهان فرو می رود و ناراضیاتی توده ها و مبارزات آنان اوج بیشتری میگیرد. مردم در جستجوی راهی برای پایان بخشیدن به وضع تکتبتار موجود هستند. برای اینکه مبارزات مردم از توان لازم برخوردار شود و بتواند بر رژیم وحشی و خونخوار خمینی پیروز گردد. به پیشاهنگمی انقلابی و فدائیان را نیازمند است که بتواند توده مردم را در این نبرد دشوار هدایت کند. فدائیان خلق آن نیروی هستند که میتوانند این رسالت تاریخی را برعهده بگیرند. از این نظر بیش از هر زمان ضروری است که "باتمام قوا بمنظور تقویت نفوذ سازمان در میان توده ها و گسترش فعالیت درجهت پیشبرد شعارهای سازمان در رابطه با اتحاد نیروها، برای شکل گیری آلترناتیو انقلابی تلاش کرد." (کار شماره ۲۲)

برای این که بتوان سیاستها و شعارهای فداییان خلق را هر چه وسیعتر و روشن تر به میان مردم بردوانان را برای مبارزه ای فراگیر علیه ارتجاع حاکم هدایت نمود، سازمان اقدام به انتشار ۱۵۰۰۰ نفرخوان به خلق ایران و ۱۹۰۰۰ رهنمودیه اعضا و همسوادان (مندرج در کار شماره ۲۲) کرده است. این ۱۵۰۰۰ نفرخوان ۱۹۰۰۰ رهنمود در شرایط فعلی اصلی ترین جهات فعالیت و وظایفی را مشخص می سازد که بدان وسیله نام سازمان و سیاستهای انقلابی آن را با گستردگی، صراحت و روشنی به میان مردم ببریم و آنها را بسوی فدائیان خلق فراخوانیم.

- این است زندگی، سعادت تمدن جوانان شوروی در صفحه ۵
- فعالیت انقلابی در میان سربازان در صفحه ۸
- ورزش در رژیم خمینی در صفحه ۳

شهادت قهرمانان خلق، فداییان ییکار جو و پوسا بته محمد امین شیرخانی، بیژن نوپوری، ابراهیم لطف اله زاده

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با صدور اطلاعیه ای در ۲۵ آذر ماه، خبر شهادت ۳ تن دیگر از فرزندان دلاور خلق، کادرهای مسئول سازمان رفقا محمد امین شیرخانی، بیژن نوپوری و ابراهیم لطف اله زاده را به دست رژیم جنایتکار خمینی اعلام داشته است. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

"فداییان خلق، رفیق محمد امین شیرخانی، انقلابی برجسته کرد، مسئول سازمان ایالتی کردستان و عضو خاص هیات نمایندگی خلق کرد در مذاکره با دولت مرکزی در سال ۵۸ و ۵۹، رفقا بیژن نوپوری و ابراهیم لطف اله زاده از پوسا بته ترین رزمندگان فدایی خلق بودند که همگی زبی سالها بیگانه را انقلابی داغ شکنجه و زندان را در رژیم شاه و رژیم خمینی برهنه داشتند. رفقا نوپوری و لطف اله زاده مدت ۲ سال نیز در صفوف انقلابیون فلسطین علیه صهیونیستها ایستادگی کردند و افتخارات بزرگی کسب کردند."

"با یقین و شهادت قهرمانان و چون همیشه فدایی و رفقای فداییان خلق، مسئولیتها و مقادیر مبارزه را در برابر رژیم خمینی ایستادگی و شعله های رزم رهایی بخش خلق ایران را فروزان ترمی سازند."

طراحی کشتار دانش آموزان

در سمینار آموزش و پرورش

جنگ و کشتار دانش آموزان کماکان مسئله اصلی و مشغله عمده فکری عمال خائن رژیم در وزارت آموزش و پرورش را تشکیل میدهد. در سمیناری که اوایل آبان ماه از سوی مدیران کل آموزش و پرورش استانهای کشور و با حضور اگرمی خائن و زیر پر آموزش و پرورش و فرماندهان جنایتکار و سپاه تشکیل شد، با رد دیگر برادران توده تلاشهای جنایتکارانه بمنظور کشتار دانش آموزان به جبهه ها تا کید گردید. حضور گمانی چون رفقای و رفیق دوست در سمینار مدیران آموزش و پرورش استانهای کشور بیانگر آن بود که سمینار، نه برای بحث و بررسی در مورد هزاران مشکل آموزشی میلیونها دانش آموز کشور، بلکه برای بقیه در صفحه ۴

ای جلا د ننگت باد

آوازه جنایات و وحشیگریهای جمهوری اسلامی در سطح جهان آنچنان پیچیده و شتت رسوایی "حکومت اسلام" بگونه ای از با م فرود افتاده که در میان همه مردم آزاد میخواه جهان رژیم خمینی بعنوان مسبب نفرت انگیز آدم کشی و جنایت شناخته شده است. بدنبال ابراز تشنه محکومیت جهانی رژیم، بخاطر نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی و آدم کشی های بقیه در صفحه ۲



مرگ بر خمینی، زنده باد آزادی

ای جلا... ●●●

سفاکانه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیوز در اجلاس اخیر خود، رژیم جنایتکار خمینی را بدلیل "محاکمات عجولانه و اعدامهای خودسرانه و شکنجه و بیرحمی در ایران" محکوم کرده و آنرا در کنار رژیمهای جنایتکاری چون شیلی و السالوادور و گواتمالا در ردیف تبه کارترین رژیمهای جهان قرار داده است. قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در محکومیت رژیم خمینی، مردم آزادیخواه جهان را که بدنبال اعدامهای وحشیانه مبارزین دربند درامهای اخیر بطور گستردهاییم خمینی را محکوم ساخته اند، بیش از پیش متوجه جناپاتی که در ایران صورت میگیرد نمود و رژیم رسوای خمینی را رسواتر ساخت.

بدنبال صدور این قطعنامه، خمینی و سایر حکام رژیم، تلاش جنون آسایی را برای توجیه اعمال جنایتکارانه خویش آغاز کردند. نخست وزیر از تصمیم رژیم برای ادامه جنایات خبر داد و گفت "سیاست دولت این خواهد بود که با زمل همیشه هر نوع تحریکی که بخواهد حالت پراندازی برای نظام داشته باشد، سرکوب خواهد شد" (راديو جمهوري اسلامي ۱۳ آذر) موسوی با وقاحتی که تنها ساز دست آموزان خمینی برمیاید گفت: "ما از کاری که میکنیم به آن افتخار می کنیم". موسوی جنایتکار در عین حال برای همراهی مردم ایران و افکار عمومی جهان رژیمانه مدعی شد که: "ما میدانیم که بخاطر سیاستهای ضد نژادپرستانه، ضد فریقای جنوبی، ضد فمینیستی، ضد امریکایی خودمان مورد این تعارض هستیم". اما کیست که نداند این دروغ گوئیها برای چیست؟ حکام جمهوری اسلامی مثل همیشه، هر زمان که رژیمشان مورد فشار، خشم و نفرت قرار میگیرد، برای توجیه جنایاتشان به یاد "مبارزه با آمریکا" می افتند.

واقعیات وحشتناکی که امروز در مین ما و در درون شکنجه گاهها و سیا هجاهای رژیم ترور و ساطی جمهوری اسلامی میگذرد، بسیار عظیم تر از قضاوتی است که سازمان ملل نسبت به این رژیم خون آشام کرده است.

رژیم همچنان علیه فرزندان مردم توطئه می کند و آنان را بجرم آزادیخواهی و مردم دوستی و میهن پرستی گروه گروه در برابر جوخه های اعدام قرار میدهد. جلادان تاکنون هزاران نفر در رخفا و جنایتکارانه تیرباران کرده با دراتقهای شکنجه به شهادت رسانده اند. رژیم از اعلام خبر جنایات خویش امتناع میکند و اجساد قربانیان خود را در مکانهای بی نام و نشان و خاک می سپارد. تنها در طی چندماه اخیر گروهی از رهبران و کادرهای فدائیان خلق، از جمله رفقا غبرائی، رضی الدین تالان جهانگیر بهتاجی، بیژن نوربی، محمد امین شیر خانی و ابراهیم لطف اللزاده همراه با جمعی از دیگر مبارزین پس از شکنجه های طولانی بقتل رسیده و سیا به جوخه های اعدام سپرده شده اند.

در زندانها و شکنجه گاههای بی شمار رژیم ارتجاعی خمینی دهها هزارتن از بهترین و مبارزترین

فرزندان خلق به بند کشیده شده اند. جنایات و سفاکیهای که این رژیم در زندانها و سیا هجاها علیه زندانیان سیاسی مرتکب می شود، در تاریخ میهن ما بی سابقه است. در رژیم جنایتکار خمینی هر مبارزی که بدفاع از عقاید خویش برخیزد تسلیم شکنجه گران نشود و به مردم خودیانت نکند محکوم به تحمل وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روانی است. در زندانهای خمینی شکنجه های قرون وسطایی در کنار مدرنترین شیوه های شکنجه برای درهم شکستن زندانیان سیاسی بکار گرفته می شود. جلادان تابع هیچ قانونی جز خوی ضد انسانی و منافع رژیم ارتجاعی مدافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نیستند. هر جا که شرع هر با زجی جنایتکار روهیاسدار ندهد مت به میل خویش میتواند سرنوشته زندانیان را به بازی بگیرد زندانیان ازکو چکترین حقوق انسانی محرومند چیزی بنام دادگاه وجود ندارد و میمان حق دفاع از خود و انتخاب وکیل مدافع را ندارند. وضع ملاقاتها، بهداشت زندانها و زندانیان، وضع تغذیه و لباس و دهها نیاز اولیه و طبیعی در بدترین شکل ممکن است. رژیم ارتجاعی و خائنین برای آزار و شکنجه زندانیان وسیله استفاده میکنند. رژیم می گوید از انتشار کوچکترین خبری به بیرون زندان جلوگیری کند. "موسوی" بدروغ گفته است "چیزی نداریم که از جهانیان بنهان کنیم" اما رژیم تقاضای مکرر حقوقدانان و آزادیخواهان جهان را برای بازدید از زندانهای ایران مسکوت گذارده است.

مبارزه برای پایان بخشیدن به شرايط دهشتناک حاکم بر زندانها، قطع کشتار انقلابیون و آزادی زندانیان سیاسی، نه تنها جزئی از مبارزه انقلابی، بلکه وظیفه ای انسانی است. مبارزه برای نجات فرزندان مبارز خلق از چنگال دژخیمان سفاک رژیم خمینی یعنی مبارزه در راه نجات جان دهها هزار انسان یعنی مبارزه در راه آزادی و در هم دیو ارتجاع، یعنی مبارزه در راه آزادی و در هم شکستن فضای اختناق آور حاکم بر میهن ما، یعنی مبارزه در راه سرنگون ساختن حکومت ضد بشری خمینی این مبارزه را باید با همه توان تشدید کرد و به آن یاری رساند.

جوانان انقلابی! با استفاده از همه امکانات خویش مردم را از جنایاتی که در زندانها میگذرد مطلع کنید، اخبار اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی را وسیعاً پخش کنید. شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" را بر درودیوار کلاسهای درس، اتوبوسها تلفنهای عمومی، پولهای کاغذی و... بنویسید. تراکتوهای در حمایت از زندانیان سیاسی و آزادی آنان تهیه و در میان مردم پخش کنید. از خانواده های زندانیان سیاسی حمایت کنید. از مبارزات آنان به خاطر رهائی فرزندان و عزیزان شان پشتیبانی کنید و مردم را به پشتیبانی و کمکهای مادی و معنوی آنان فراخوانید. در هر فرصتی مردم را به مبارزه در جهت قطع اعدامها و شکنجه ها و آزادی زندانیان سیاسی فراخوانید.

● شهرها و روستاها را با نام و شعارهای سازمان تزیین کنیم.

● از خانواده شهدا و زندانیان سیاسی حمایت کنیم.

● همه بتکارات را برای جلب هر چه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم.

● ما رکیسم را به جوانان بشناسانیم. جوانان را به سوی سازمان فراخوانیم.

● به هشیاری خودبیاوراییم، تجارب و فنون زندگی و مبارزه مخفی را بیاموزیم.

از ۱۹ رهنمود به اعضا و هواداران بمناسبت ۱۹ بهمن"

ورزش در رژیم خمینی



این تنها یک جنبه وضعیت اسف بار فعلی است ورزش در سطح کشور نیز به وضع فاجعه آمیزی دچار شده است. رژیم با دشمنی کینه توزانه خود با ورزش مدارس و مانع تراشی در راه پرداختن به ورزش از سنین کودکی، عملاً تشیبه به وریش ورزش و پاپیسه توده‌ای آن زده است و ورزش ایران را از پشتوانه اصلی خود محروم کرده و بیش از پیش بسوی فنا و نابودی سوق میدهد. همینک بسیاری از رشته‌های ورزشی تعطیل شده و یا با رکود مواجه است. ورزش زنان عملاً نابود شده است. جمهوری اسلامی با تحمیل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده خود بر ترمیمها و محیط‌های ورزشی، فضای غیر قابل تحملی را پدید آورده است. اعمال ارتجاعی به تشدید فشار بر ورزشکاران ادامه میدهد. ورزشکاران بسیاری مجبور به ترک میهن و جلالی وطن شده‌اند. بسیاری تحت تعقیب، بازداشت و شکنجه قرار گرفته‌اند. دشمنی رژیم با ورزش و اعتراضات و نظرات جوانان ورزشکار و ورزشدوست علیه سیاستهای ضد ورزشی، ورزش را با سیاست عمیقاً پیوند داده است. محیطهای ورزشی آزادیه بروز اعتراضات و نظرات توده‌ای علیه رژیم است. تظاهرات گسترده سال گذشته در امجدیه و دهها مورد دیگر نشان دهنده این واقعیت است. ورزش خواست طبیعی و نیاز حتمی جوانان است. رژیم خمینی قادر نخواهد بود این خواست طبیعی را سرکوب کند. جوانان ورزش و سنت‌های دیرینه ورزشی را زنده نگاه میدارند، ورزشگاهها را از شور و هیجان لبریز می‌کنند، افتخارات ورزشی را پاس میدارند. از قهرمانان ملی خود که جهان پهلوان تختی سمبل آنهاست - تجلیل میکنند و خواهان پیروزی با زهم بزرگتر ورزشکاران ایرانی در میادین بین المللی هستند.

هفدهم دی ماه روز ورزش و سالگرد شهادت جهان پهلوان تختی، قهرمان مردمی ایران است. تختی طی سالها عضویت در تیم ملی کشتی ایران به افتخارات ورزشی فراوان دست یافت. اما آنچه که تختی را در میان مردم و جوانان ایران محبوب ساختند تنها افتخارات ورزشی بلکه مردم دوستی، صداقت، انسانیت و یاکای او بود. تختی از میان مردم جنوب شهر تهران برخاست و تا پایان نیز در کنار آنان باقی ماند.

ورزش ایران در طی حیات پارسا بقیه و با افتخار خود همواره ورزشکارانی با خصلت برجسته انسانی و مردم دوستی پرورش داده است. اکثریت است ورزشکاران ایران از خانواده‌های زحمتکش برخاسته و با زحمت بسیار و حداقل امکانات به افتخارات بسیاری دست یافته‌اند. به کوشش همین ورزشکاران تیم‌های ایران پیروزیهای شکوهمندی در میادین بین المللی بدست آورده و نام ایران را در جهان ورزش بلند آوازه ساختند.

اینک ورزش پر افتخار ایران در چنگال حکومت ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی به سرنوش اندوهیاری دچار شده و با سقوط بی سابقه‌ای مواجه گردیده است. افتخارات ورزشی یک به یک از دست رفته است. در حالیکه ورزش در کشورهای ترقی - خواه و سوسیالیستی جهان، به دلیل سیاستهای برنامه ریزی شده و مردمی و حمایت‌های مادی معنوی از ورزشکاران هر روز به پیشرفت‌های چشمگیری نایل می‌آید و ورزشکاران این کشورها، رکوردهای تازه‌ای برای می‌گذارند، در طی سال حاکمیت رژیم خمینی تیم‌های ورزشی ایران در یک میدان بین المللی نیز موفقیت چشمگیری بدست نیاورده‌اند.

جوانان فدایی در تدارک...

بقیه از صفحه ۱
ما جوانان فدایی یا طرفدایان خلق در پیکار بزرگی که برای رهایی خلق ایران انجام میدهند، هستیم. جوانان فدایی همواره در پیشبرد سیاست‌ها، شعارها و رهنمودهای سازمان نقشه فرایسته برعهده داشته‌اند. اکنون در آستانه فرارسیدن پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان جوانان فدایی برای شرکت در این کارزار بزرگ و افتخار آفرین، باید با همه نیروی خود آماده شوند. برای اینکه لازم است با برنامه‌ریزی دقیق و مناسب، با استفاده از اتمام تجربیاتی که کسب کرده‌اید، با یاری گرفتن از پیشگامان و خلقیتها و با افزودن بر هوشیاری انقلابی در برابر دشمن سفاک و وظایف بسیاری را که بدین مناسبت پیش روی تان قرار دارد بناجم رسانید:

- ۱- پیامها، اعلامیه‌ها، تراکتها و شعارهای سازمان را به گسترده‌ترین شکل ممکن در دانشگاهها و مدارس، در محیطهای کارگری، محلات زحمتکش نشین و در روستاها، در میان سربازان و در اجتماعات گوناگون پخش کنید.
- ۲- با نژده فراخوان سازمان به مناسبت پانزده سالگی و نام و گل سازمان را در مسیرهای پر رفت و آمد برپلاکارها، در کیوسکها، اتوبوسها، بردیوار کارخانه‌ها، مدارس و دانشگاهها نقش زنید.
- ۳- تبلیغات شفاهی را تا آنجا که ممکن است گسترش دهید. در دانشگاهها و مدارس و در میادین

زحمتکشان، در محافل و محیط‌های دوستانه و خانوادگی و در هر جمع ممکن، اهداف و مواضع سیاسی و شعارهای انقلابی سازمان را مطرح کنید و توضیح دهید.

- ۴- در دیدارها ۱۹ رهنمود کمیته مرکزی برای اعضاء و هواداران بمناسبت ۱۹ بهمن و اهداف و روش اجرای هر یک را مورد بحث و بررسی قرار دهید و راه‌های کار بست هر یک را معین و برای اجرای آنها برنامه‌ریزی کنید.
- ۵- برای کار بست فراخوان سازمان تحت عنوان " برای کمک به رهایی خلق ایران همه امکانات را بسیج کنید"، همه امکانات را برای جمع‌آوری کمک مالی بکار گیرید.
- ۶- دوستان و آشنایان اقوامی را که تمایلات ترقیخواهانه دارند و اکنون کنار مانده‌اند، در پیابید. راه رسانیدن نشریات، اخذ نظرات و جلب حمایت آنها از فدائیان خلق را جستجو کنید. برای حفظ مراد و تحکیم روابط با آنها، برای بهره‌گیری مناسب امکانات و توانائی آنها برای شانزدهمین سال فعالیت و مبارزه سازمان برنامه‌ریزی کنید.
- ۷- نسبت به کوچکترین حرکت ارگانهای سرکوب فوق العاده هشیار باشید. رژیم طبعاً تمام نیروی خود را به کار می‌گیرد که مانع از تحقق این رهنمودهای سازمان گردد. از هم اکنون می‌باید برای خود برای خنثی کردن تلاش رژیم بیا فزائیم

فرزند قهرمان خلق

سحرگاه آخرین روزهای شهریورماه امسال، جلادان اوین، رفیق محمدرضا غبرائی، عضو ماور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را پس از چهار سال امارت در شکنجه گاهها، تیرباران کردند. زندگی کوتاه و پرافتخار و سراسر مبارزه رفیق رضا و شخصیت والا و انقلابی او برای جوانان میهن ما، آموزشی گرانقدر است. رفیق رضا در مبارزات دانشجویی دانشگاه تبریز از چهره های سرشناس بود. او در همه جازاز کارهای ورزشی و امور فرهنگی تا هدایت اعصاب و شرکت در محافل سیاسی دانشجویی فعالانه حضور و نقش داشت. در عین تحرک و کارایی فوق العاده، فعالیت سیاسی اش را به خوبی از چشم دشمن مخفی نگاه می داشت. بشتکار، زیرکی و فروتنی عمیق از برجسته ترین صفاتش بود.

سال ۱۳۵۰ به دنبال ضرباتی که رژیم جنایتکار شاه به فدائیان خلق وارد آورد، رفیق غبرائی هم دستگیر شد. شکنجه گران ددمنش ساواک شاه نتوانستند چیزی را از او بیرون بکشند، زندان برای او کتب آموزشی ارزشمندی بود. لحظاتی را که در کنار رفیق چینی بود، یک لحظه هم از دست نمی داد. رفیق رضا از فعالین جدی کار انقلابی در زندانهای شاه بشمار می رفت.

سال ۵۴ قتی آزاد شد که سازمان در زیر شدیدترین ضربه های دشمن قرار گرفته بود. امکانات و پایگاهها یکی پس از دیگری از دست می رفتند. بسیاری از رفقا جایی برای خوابیدن نداشتند و اکثر شبها را در پارکها، خیابانها و صحراها می گذرانند. درست در این شرایط دشوار و هر لحظه خطر شهید شدن، او اصرار داشت که وارد سازمان شود و در از سر گذاردن این دوره سهیم باشد. رفیق رضا در این سالها هم بدلیل فعالیت های تشکیلاتی اش، از عناصر تعیین کننده برای تجدید سازماندهی سازمان فدائیان پس از ضربات سال ۵۵ بود. بوم بدلیل توانایی های سیاسی اش از جمله افراد موثر رهبری در تقویت مواضع درست سازمان بشمار می رفت. رفیق غبرائی در گسترش فعالیت انقلابی فدائیان خلق و نقش افرین سازمان در انقلاب بهمین سهمی برجسته بر عهده داشت.

پس از انقلاب تا مقطع دستگیری اش مسئولیتهای حساس و مهم سیاسی و تشکیلاتی در دستگاه رهبری سازمان داشت. او مثل همیشه با فروتنی و دقت زیادی که در انجام کارها داشت، وظایف سنگینی را در سازمان انجام میداد. اسفند ماه ۱۳۶۰ رفیق رضا در مقام مسئول نشریه کار برای توضیح پیرو من مقالات اعتراضی ارگان کمیته مرکزی سازمان علیه اعدام های جنایتکارانه جمهوری اسلامی به دادستانی فرایخته شد و در آنجا توسط جلاخون آشام رژیم اسدالله لاجوردی بازداشت و پس از ۴ سال امارت اکنون اعدام شده است. برچم رزم این انقلابی کمونیست و فرزندان قهرمان خلق که صمیمانه در راه سعادت و خوشبختی مردم زحمتکش ایران و پیروزی سوسیالیسم مبارزه کرد و شهید شد، را فدایان خلق درسراسر ایران برافراشته نگاه میدارد.

شیادی تازه تربیت بدنی!

مستولان تربیت بدنی با اجرای یک توطئه رزیلاننه تازه کوشیده اند مسابقات فوتبال تهران را از تب و تاب بیاندازند. هیات فوتبال تهران، تیم پرسپولیس را ظاهرا بدلیل استفاده از یک بازیکن مشمول، عملاً از ادامه مسابقات کنار گذاشت و مانع رسیدن آن به دور بعدی بازیها گردید.

علت واقعی این تصمیم شیادانه، ترس رژیم از استقبال روزافزونی است که جوانان نسبت به این مسابقات نشان داده اند. عمل رژیم از محبوبیت تیم هائی نظیر پرسپولیس در میان جوانان بخوبی خبر دارند و بهمین دلیل این تیم ها را تحت فشارهای گوناگون قرار میدهند. اکنون با حذف پرسپولیس خواسته اند مسابقات را از رونق و جذبه بیاندازند تا بلکه در سابقه نهائی جمعیت کمتری گرد آید. مسئولین ابلهانه به این دلخوش کرده اند که تصمیم فوق موجب خوشحالی تیم های رقیب نیز خواهد شد! ورزشکاران و فوتبال دوستان ایران متعلق به هرتیم و باشگاهی که باشند، این اقدامات شیادانه را که توطئه علیه یک تیم، بلکه دشمنی با ورزش ایران است، با خشم و نفرت محکوم می کنند. این تصمیمات تنها نشانه آن است که رژیم خمینی تا چه اندازه نگران بروز خشم و تفر مردم است و حتی از بزرگاری مسابقات فوتبال هم میترسد.

این اقدامات جز تشدید خشم و اعتراض ورزشکاران و ورزشدوستان نتیجه ای دیگر نداشته و نخواهد داشت.

طراحی کشادگان آموزش...
نقشه کشی و توطئه چینی در مورد راههای موثر ترسور قربانی کردن دانش آموزان در جبهه ها تشکیل شده است.

ایادی رژیم این ارتباط جنا میسوم و منحوس سپاه و آموزش و پرورش را هدف فعالیتکارانه خودشان راپنهان نکرده و در بند ۶ قطعنامه شان اعلام کردند. با توجه به ارتباط صمیمانه و تنگاتنگی که بین وزارت اسبها و وزارت آموزش و پرورش در پیشبردار جنگ برقرار است ما متوجه می شویم که توان خود را در اعزام نیرو به جبهه و گسترش مجتمعهای آموزش در جبهه و پشت جبهه بکار گیریم. تعهد این جنایتکاران در برابر اما خونخوار خود، برای میلیونها خانواده، ایران تنها مرگ و نیستی و خون ببارمی آورد. در پی اجرای همین تعهد، حیل و نیرنگ جدیدی برای کشتادن دانش آموزان به جبهه و قربانی کردن آنان از سوی حکام رژیم طراحی شده است. این توطئه تازه طرح اجباری آموزش نظامی برای کشتار دانش آموزان است که در همراه امسال از سوی رحمانی سرپرست بسیج مستضعفین اعلام گردید. این طرح در سمینار فوق الذکر مورد پشتیبانی قرار گرفت.

طرح ارتجاعی فوق همانگونه که در شماره قبیل گفتیم اکنون نیز ایادی خمینی بر آن صحنه میگذازند هدفش ایجاد حداقل آموزشهای نظامی و گسیل مستقیم دانش آموزان از مدرسه به جبهه است. بنابراین از ه داد مثنی مزدور که فرزندان خود را صد ها کیلومتر دورتر از جبهه ها پنهان ساخته اند، فرزندان مردم زحمتکش ما را برای خوش رقصی در برابر جلاخونان گوشت دم توپ گردانند. جنگ و کشتار و مصائب بیشمار آن باید پایان یابد. این خواست میلیونها مرد ایران است.

دیروز، چه عاشقانه سر باخته ایست
دیروز، حماسه با بیبا ساخته ایست
فردا، دل این با جوان سبز ترست
اینگونه که طرح نو، در انداخته ایست
رضا مقصدی

این است زندگی سعادتمند جوانان شوروی



"بشنا سیدو دوست بداریدکشوری را
که فردای ما امروزانهاست"

ژولیوس فوجیک

اتحادیه های محل کار و تحصیل خود را دارند. متجاوز از ۱/۸ میلیون نفر از جوانان، از رهبران سدیگاها و اتحاد های سراسر کشورند. علاوه بر اینها اتحادیه های نویسندگان، آهنگسازان، نقاشان سینماگران جوان و نیز اتحادیه مبتکران جوان که علاقمند به تحقیقات علمی، طراحی و مورهنندی هستند، وجود دارد.

توده های ترین اتحادیه جوانان در شوروی، اتحادیه کمونیستی جوانان سراسر شوروی یا "کامسول لنینی" با ۴۲ میلیون عضو یعنی بیش از نیمی از پسران و دختران ۲۸ - ۱۴ سال در کشور است. بنیانگذار کامسول، ولادیمیرا بلیچ لنینی بوده و تاریخ کامسول بانام او آموزشگاهی گرانقدر او ارتباط مستقیم و ناگسستن دارد. کامسول اتحادیه پیشروترین جوانان شوروی است که وظیفه آنان آموختن کمونیسم در تلفیق با فعال ترین مشارکت در مبارزه و کار سازنده همراه با کارگران و دهقانان کشور شوراهاست.

جوانان شوروی فعالانه در حل مسایل سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی میهنشان نیز شرکت می کنند. شرکت بیش از ۴۶ میلیون دختر و پسر جوان در مباحثات وسیع پیرامون لایحه قانون اساسی جدید کشور در سال ۱۹۷۲، نمونه درخشانی از این امر بود. هم اینک نیز جوانان شوروی بطور گسترده و فعالانه در جریان بحثهای مرتبط به برنامه و اساسنامه جدید حزب کمونیست شوروی قرار دارند. اعضای شورای عالی اتحاد شوروی و نمایندگان شورای های استانها، ولایات و شهرها از میان جوانان کمتر از ۳۰ سال هستند.

در شهرها و روستاها، ۱۳۶ هزار کلوب و کاخ فرهنگی درهای خود را به روی جوانان گشوده اند. در این کلوبها هر شب نمایش فیلم، مجالس رقص و آواز، تئاتر و موزیک سخنرانی، مجالس شعرخوانی و ادبیات دایر است. اتحاد شوروی با شبکه بزرگ سینمایی خود که سالانه ۵ میلیارد تماشاچی را در خود جای میدهد، ۱۷۵ هزار تئاتر، هزاران ارکستر سمفونیک و فیلارمونیک که سالانه ۱۵ میلیون شنونده دارد در این عرصهها در رأس همه کارهای جهان قرار گرفته است. در اتحاد شوروی ۲۳۴ نشریه با تیراژ ۷۰ میلیون نسخه برای جوانان منتشر می شود. به موسسه انتشاراتی نیز سالانه ۷۶ میلیون جلد کتاب به همه زبانهای خلق های اتحاد شوروی و زبانهای خارجی برای جوانان چاپ و منتشر می سازند.

ورزشگاهها و کلوبهای ورزشی در کشور شوراها ۶۰/۶ میلیون تن جوان را زیر پوشش خود دارند. افتخارات چشمگیر ورزشی که جوانان شوروی در میدان بین المللی کسب می کنند به دلیل همین توده های بودن ورزش در کشور است.

لنین همواره تاکید می کرد: سوسیالیسم تنها نظام اجتماعی است که میتواند آموزش و فرهنگ را به طور کامل در دسترس توده های مردم قرار دهد. و اینک جوانان شوروی با استفاده از دستاوردهای پیشروترین نظام اجتماعی جهان یعنی سوسیالیسم است که این چنین سعادتمندند.

برابری اجتماعی، اعتماد به آینه سده برخوردار از همه امکانات برای شکوفایی و ترقی و سودجستن از ثمرات دمکراسی سوسیالیستی دستاوردهای عظیم و افتخارآمیز اتحاد شوروی برای جوانان است. بیش از نیمی از جمعیت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را کودکان، نوجوانان و جوانان کمتر از ۳۰ سال تشکیل میدهند. کشور شوراها همه امکانات را برای آموزش، پرورش همه جانبه، کسب تخصص و مهارت، شکوفایی خلاقیت های و دخالت آنان در اداره امور جامعه و آماده ساختن آنها برای زندگی اجتماعی مفید در آینده، فراهم آورده است. اتحاد شوروی نخستین کشور جهان است که

توانست بیسودی را در پهنای سرزمین خود براندازد. اینک تلاش بر آن است تا سطح آموزش جوانان هر چه بالاتر رود. در حال حاضر ۱۱ کلاسهای کسب در رشته های گوناگون اقتصاد کشور مشغول به کار هستند، دارای تحصیلات متوسطه و عالی هستند. آموزش تا پایان دوره ۱۰ ساله دبیرستان برای همه دختران و پسران شوروی اجباری و رایگان است. سیستم آموزش مردمی در شوروی برای همه یکسان و قابل دسترس است. هیچ نوع موسسه آموزشی درجه دوم یا بالاتر مزایای ویژه وجود ندارد.

پس از گذراندن کلاس هشتم، دانش آموزان به دبیرستانها یا هنرستانهای فنی و حرفه ای میروند در مدارس فنی - حرفه ای، کارگران ما هر برای همه رشته ها شایه مورد نیاز اقتصاد ملی است. تربیت می شوند. جوانان فارغ التحصیل دبیرستانها هم می توانند برای تحصیلات عالی به یکی از ۴۳۵۸ انستیتو تکنولوژی و ۸۷ دانشگاه کشور وارد شوند. هم اکنون بیش از ۵ میلیون دانشجوی در مدارس عالی شوروی درس میخوانند. تعداد دانشجویان نسبت به تعداد جمعیت در شوروی، مقام نخست را در جهان احراز می کنند.

برای ادامه تحصیل کارگران شبکه وسیعی از انستیتوها و دانشگاههای شبانه وجود دارد. بسیاری از مسئولین دولتی و حزبی در اتحاد شوروی از میان همین کارگرانی بوده اند که تحصیلات عالی پیرا در دانشگاههای شبانه به پایان رسانده اند. کسانی که در جبهه کار، درس میخوانند، ساعات کارشان در هفته کوتاه می شود و از مرخصی های اضافی برای امتحانات، کارهای آزمایشگاهی، تهیه و دفاع از تز، با پر پرداخت حقوق برخوردار می شوند.

بسیاری از دانش آموزان و بیش از نیمی از دانشجویان شوروی از دولت کمک تحصیلی میکینرند. دانشجویان دانشجویان از خوابگاههای مجانی و غذا خوریهای ارزان، استراحت و بهداشت رایگان برخوردارند. از ۱۹۳۰ به بعد، بیکاری برای همیشه از بین رفته است. در قانون اساسی کشور، حق انتخاب شغل بر اساس استعداد و تریجه، آمادگی حرفه ای و تحصیلات برای همه تضمین شده است. هیچ نوع محدودیتی به دلیل جنس، نژاد، ملیت، پیروی یا عدم پیروی از مذهب برای استخدام افراد وجود ندارد. هر کس حق دارد که محل کارش را تمویض کند و در هر نقطه ای که می خواهد بکار بپردازد. در اتحاد شوروی هر شهروندی حق عضو شدن در

اخبار و گزارشها

یکی از دانش آموزان پیشگام از تهران برای ما نوشته است: "در مدرسه ما مدیر مدرسه به همه کلاسها آمده و گفت: هر چه در توان دارید برای جبهه بیاورید، یک لیست هم در راهرو زده که شامل کتسرو، برنج، آلبیمو، گوشتی و... بود. پس از یک هفته که هیچ چیزی نصیبشان نشد، مدیر آذوبها عصبانیت گفت: حتی این چیزهای کوچک را هم کس می خواهد؟ نمی آورید، خجالت دارد."

در مدرسه راهنمایی دخترانه اژدرسولی، واقع در جاده ساوه معاون مدرسه که فردی است حزب اللهی به دلیل آنکه تعدادی از محصلین به سخنرانی ایشان کم توجهی کرده اند به تنبیه و اخراج آنها اقدام می کند. اولیاء دانش آموزان و مردم مدعی دفاع از محصلین و علیه ناظم مدرسه به اعتراض بر می خیزند. سپاه پاسداران هم به دفاع از ناظم حزب اللهی وارد عمل شده و خانواده ها را به زور اسلحه از مدرسه بیرون می ریزد.

در آغا زسال تحصیلی، مدیر مدرسه راهنمایی اسپرکبیر تبریز به دانش آموزان اطلاع می دهد که باید به ساختمان جدید منتقل شوند. بچه ها وقتی به محل جدید می روند به بینندگی بگ ساختمان نیمه کاره است و درب و پنجره ندارد. آنها به مدرسه با بستان بنواز می گردند و خواستار تحویل مدرسه سابقشان می شوند. مسئولین مدرسه درب را به روی آنها بسته می کنند. و با تهدید و توهین سعی در پراکندن آنها می کنند. دانش آموزان با فشاری کرده، تابلوی مدرسه را سنگ باران می کنند، درب مدرسه را با زوری گشایند و با سنگ ناسزاهای مدیر مدرسه را می دهند. با اطلاع مدیر مدرسه، سپاه پاسداران از در عمل می شود و پیش از ۲۰ نفر از دانش آموزان را دستگیر می کند و مدرسه تا ۲۲ مهر ماه تعطیل اعلام می شود.

مسئولین هنرستان پسرانه قدس (چردن) روز چهارشنبه هفدهم مهر ماه اعلام کردند که دانش آموزان رشته صنایع چوب و فلز بعلت کمبود جا و امکانات باید در یک کلاس درس بخوانند. دانش آموزان

در اعتراض به این تصمیم خودسرانه دست به اعتصاب می زنند و از رفتن به کلاس خودداری می کنند مسئولین مدرسه در مقابل این اعتراض بسر حاق، دستور اخراج ۲۵ دانش آموز را صادر کردند.

یکی از سربازان جبهه جنوب برای ما نوشته است: "از تاریخ اول سال ۶۴ به بعد، حق ما مورست سربازان راکه ماهانه ۴۵ تومان است، نپرداخته اند. سربازان عموماً از نظر مالی در وضع بسیار بدی بسر می برند. برخی از سربازان برای رفع احتیاجاتشان در شهرسرهاوز (مثل حمام) مجبور شده اند با تغییر لباس اقدام به گدایی کنند. در چند مورد هم بین راه در اتوبوس ها و مینی بوس ها برای سربازانی که عازم مرخصی بوده و پولی نداشتند، مردم اقدام به جمع آوری پول کرده اند.

در مسجد ولی عصر در خیابان آذربایجان تهران، بسبب برای فرستادن جوانان به جبهه برای مرگ، برناهای را اعلام می کند، خانواده ها که از این مساله خبردار می شوند، شروع به اعتراضات این برنا می کنند. اعتراضات مردم آنچنان بالایی گردید که حتی امام جمعه مسجد هم در مقابل با برنا می فرستادند تا ترک می کنند.

شکرریز زبیریس "دانشگاه آزاد اسلامی تهران" طی جلسهای در روز ۲۶ شهریور ماه اظهار داشت که: "در قان اساسی مطرح شده است که در صورت امکان باید آموزش رایگان باشد و هیچ وظیفه ای برای دولت معین نگردد. از آنجایی که بودجه مملکت اکنون با بید صرف جنگ شود، موسسات آموزشی عالی هم باید خصوصی باشند و برای این اساس اعلام می دادند که شهری "دانشگاه آزاد اسلامی" به قرار زیر افزایش یافته است: شهری ثابت، هزار تومان برای هر ترم است. هروا حد ضروری (تثوری) از ۵۰ تومان و هروا حد عملی از ۲۰۰ تومان به ۳۵۰ تومان افزایش یافته است. و احواسد کامپیوتر که عملی - تثوری می باشد ۲۲۵ تومان و هروا حد عملی ریاضی بین ۲۰۰ تا ۷۵۰ تومان خواهد بود. سخنان شکرریز مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفت. دانشجویان سئوالات متعددی از وی کردند. نام برده که از پاسخگویی به سئوالات عاجز می ماند، نیمه کساره ختم جلسه را اعلام داشت. استقبال از واحد ورزش توسط دانشجویان سال اول مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی،

از جمله تشکیل یک تیم والیبال دختران به منظمی برای انجمن اسلامی این دانشگاه تبدیل شده. انجمن اسلامی، نگران از جنب و جوش دانشجویان، پس از مدتی تبلیغات علیه تیم مزبور را آغاز کرد و اعلام نمود: "خواهران باید به جای تفریح و توپ بازی به تحصیل بپردازند."

اما "توپ بازی" ادامه یافت و دانشجویان اهمیت به خطاریه انجمن اسلامی ندادند. مسئولین دانشگاه و انجمن اسلامی بالاخره چاره را در اخراج مریمی ایمن تیم، به بهانه عدم رعایت موازین اسلامی، دیدند. اما علیرغم این اقدام "توپ بازی" متوقف نشد و دانشجویان با انتخاب یک مریمی از میان اعضای تیم، به تفریحات خود ادامه دادند.

انجمن اسلامی دبیرستان دخترانه ارشد تهران، جدیداً سم خوراکی عرضه کرد تا شاید از انزوی جدی که بدان دچار شده بیرون آید و بتواند تعدادی از دانش آموزان را به خود جذب کند. نام جدید آن "گروه فعالیت های دانش آموزان" است و اعلام کرده که کلاسهای برای تشکیل طراحی، سرود و تانگو... تشکیل می دهد. کلاس قرآن هم البته هست ولی از این کلاس ها جداست. علیرغم همه این اقدامات، انجمن اسلامی موفقیتی در کارها پیش نداشت. است. عوامل ارتجاع هم جا مورد تفرقه و طردا شد.

جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، کمیته جنوب غربی تهران، در ماههای گذشته همراه با فعالیت های وسیع تبلیغی ۳ اعلامیه در تئاتر با مسایل منطقه شان صادر کرده اند. مضمون این اعلامیه در مورد تخلیه مدارس استیجاری، بازپس دادن زمینهای ورزش به زمینداران و اعزام جوانان به تعلقهای جنگ بوده و با استقبال جوانان روبرو شده است. در یکی از این اعلامیه ها آمده است:

"زیم خدمتگزار سرمایه داران و زمینداران اخیراً حکم بازپس دادن زمین ورزش شهرک ولی عصر و تخلیه مدرسه راهنمایی ها چاره راه بودغیاتی (زمیندار سرمایه دار بزرگ) صادر کرده است. ولی دانش آموزان و اولیاء آنان با خشم و نفرت زیاد با حمایت اهالی محل و همراهی تعدادی از معلمین و کارکنان آموزش و پرورش و... مدرسه را تصرف می کنند."

علیه سرکوب و اختناق در محیط های آموزشی بیاخیزیم!

فعالیت انقلابی ...
 اختناق و فشار دوا بر سیاسی ایدئولوژیک و دیگر
 دوا بر جاسوسی ارتش و بلاخره پایمال شدن حقوق
 خود، ابراز میدارند. و این درحالی است که
 فرماندهان سلطنت طلب و جیره خوار امپریالیسم که
 درصد بازگشت به دوران سیاه هاشمی هستند،
 تلاش دارند تا اونا را غایتی سر بزازان و درجه داران
 درجهت اهداف فضا نقلی خود بهره برداری کنند.
 در راه با این شرایط فعالیت انقلابی در میان سر بزازان
 که از وظایف همیشگی و تعطیل نا پذیر جوانان فدا یی
 است، اهمیت بی بازم جدی برپا یافته است.
 اکثریت سر بزازان، فرزندان زحمتکشان
 روستا های میهن ما هستند. آنها به خوبی ایده های
 دموکراتیک و انقلابی را جذب می کنند و این آگاهی را
 به محیط های زندگی شان منتقل می نمایند. دو سال
 خدمت در محیط ارتش یک زندگی جدید، سر آغاز یک
 فصل نوین در حیات آنهاست.
 رفقا و دوستان سر بزاز ما که در پرتو شخصیت
 انقلابی شان بسرعت موردا اعتماد سر بزازان قرار
 می گیرند، در مقابل آنها مسئولیت بزرگی دارند.
 انسان دوستی عمیق کمونیست ها، مسدود رسانی
 به دیگران در سخت ترین شرایط، تهور و شجاعت
 در برخورد با مشکلات، آگاهی و پختگی و تجربه شان
 باعث میشود تا جوانانی که در این اوضاع دشوار
 قرار گرفته اند، آنان را دوستان نزدیک و تکیه
 گاه های مطمئن خویش بشناسند. ما برپایه ایمن
 اعتماد و وظیفه انقلابی قادریم و باید بردن آگاهی
 بمیان سر بزازان، بیاری آنان در دفاع از حقوق خود
 و هدایت شان برای مبارزه انقلابی نقش بسیار موثر
 ایفا کنیم.

وظیفه مقدم جوانان پیشگام در تماس با دوستان
 سر بزاز خود و در سر بزاز خانه ها، مراکز آموزشی و جبهه ها
 کار آگاه هر گانه و افشاکاری سیاسی علیه رژیم، بویژه
 علیه جنگ است. سر بزازان بیش از همه با چهره کریه
 جنگ آشنا هستند. صلح مبهم ترین خواست آنهاست.
 با ادامه جنگ عرفیت مرگ هر لحظه باالی سر آنها
 در پرواز است. رفقا و دوستان ما در این فضایی که
 واژه صلح دل نشین ترین کلام هاست، ما باید با تمام
 قوا برای صلح تبلیغ کنند. برای سر بزازان توضیح
 دهند که چرا حاکمیت این جنگ را ادامه میدهند،
 چرا مبارزه در راه صلح با مبارزه در راه سرنگونی
 این رژیم ارتجاعی پیوند می یابد و چه کسانی
 مبارزین راستین راه بهروزی وسادت آنها هستند.
 باید اخبار مبارزات مردم علیه جنگ را به میان
 سر بزازان ببریم، تراکت ها، اعلامیه و نشریات
 فدائیان خلق را به اشکال مناسب به آنها برسانیم،
 در هر جا که ممکن است، شعار " علیه جنگ، برای
 صلح بیا خیزیم " و دیگر شعار های سازمان بنویسیم
 علاوه بر این باید به سر بزازان کمک کنیم تا
 در پیشبرد اعتراضات شان علیه جنگ یکپارچه
 و متشکل عمل نمایند. حرکات خود بخودی نظیرا متنوع
 از شرکت در حمله ها، فرار از مناطق عملیات، مقابله
 با دستورات فرماندهان، باید طبق برنامه تبلیغ
 و هدایت شود و با توجه به حساسیت فوق العاده
 فعالیت های متشکل، بگونه ای تماما نا آشکار و به
 اشکال ممکن سازمان یابد.

سر بزازان خواستار دمکراتیزه کردن محیط ارتش
 هستند. خودسری و زورگویی فرماندهان، تحقیق
 و توهین و تشییحات غیر انسانی علیه سر بزازان
 اکنون به بهانه شرایط جنگی به وحشیانه ترین

شکل اعمال می شود. جاسوسی و خبرچینی مزدوران دوا بر
 سیاسی ایدئولوژیک، سر بزازان را در فشاری غمی
 قابل تحمل گذاشته است. این جاسوسان علاوه بر
 شناسایی عناصر متعرض و نیروهای انقلابی، درباره
 هر حرکت " غیر مکتبی " مثل گوش دادن به موسیقی
 نیز گزارش می کنند. جمهوری اسلامی اصرار فراوان
 دارد تا فضای نکبت با رخا فهای قرون وسطا پیش
 را با شدت هر چه تمام تر به پا دگانه و جبهه های
 جنگ صادر کند. آخوند های طرفدار رژیم نیز برای
 صدور همین " مکتب " است که مکررا برای سخنرانی
 های ملال آورشان به سر بزاز خانه ها و پشت جبهه ها
 گسیل می شوند.

وظیفه ما است که اعتراض علیه این تشییحات
 ضد دموکراتیک راست و سودهمین، مقابله با
 رفتار های غیر انسانی فرماندهان و مزدوران سیاسی
 عقیدتی و فضای فشا ر و خفان با باید با ابتکار
 گوناگون بسط و گسترش یابد. نباید اجازه دهیم
 که عکس العمل جوانان در مقابل این فشار ه های
 غیر قابل تحمل ضد بشری به یاس و سرخوردگی
 و روی آوری به مواد مخدر و سایر مفاسد منجر شود.
 با سازماندهی برنامه های ورزشی، تفریحات سالم
 و تبدیل مقامت منفی به اعتراضات مثبت دست
 جمعی و کار آگاه هر گانه وسیع میان سر بزازان باید
 با این پدیده های هلاکت بار که سوغات جمهوری اسلامی
 است، مبارزه کرد.

وبلاخره مبارزه در راه ابتدائی تر
 خواستهای صنفی سر بزازان، برای آنکه غذای کافی
 به آنها بدهند، لباس و وسایل مناسب داشته باشند،
 وقتی بیچارگی شوند آنها را امداد و اکند حقوق و مزایای
 جبهه را به موقع به آنها برسانند. در پیش روی ماست.
 سر بزازان هم اینک با تشکیل صندوق های تعاونی
 و کمک به یکدیگر تلاش می کنند تا این رنج ها را به
 حداقل برسانند. ولی علاوه بر این باید برای گرفتن
 حق مسلم شان مبارزه کنند. باید دزدی و
 حق کشی را افشاء کرد و با مراجعه مکرر، مسئولین
 را وادار به پرداخت حقوق شان نمود.

لازم به تاکید است، در عین آنکه آماج
 اصلی افشاکاری و مبارزه ما رژیم همیشگی
 فرماندهان و نهادهای ارتجاع هستند، در همان حال
 با یستی ما مقاد ضد مردمی و توطئه های شوم چریکات
 سلطنت طلب را افشاء و تبلیغات آنان را خنثی کنیم
 توده سر بزازان باید بدانند که نه فرماندهان
 طرفدار خمینی ونه فرماندهان سلطنت طلب
 هیچکدام خواهان صلح دمکراتیک، پایان بخشیدن
 به سرکوب و اختناق، تحقیق و توهین در ارتش و مصادف
 منافع مردم زحمتکش ما نیستند.

رفقا و دوستان ما باید همیشه ربا شند که فعالیت
 انقلابی در ارتش بویژه در شرایط جنگی، ضوابط
 و قواعد امنیتی خاص خود را دارد. این قوانین به
 کلی با محیط های دیگر متفاوت است. با تلفیق درست
 فعالیت علنی با کار مخفی، رعایت دقیق مسایل
 امنیتی و اصول مخفی کاری باید جاسوسان رژیم را بی
 اثر کرد. یکی از مهم ترین اصول آن است که
 فعالیت های مخفی ما فقط با کمک نزدیک ترین
 دوستان که از گذشته وبه خوبی آنها را می شناسیم
 و به آنان اعتماد کامل داریم، می تواند انجام
 شود. این همکاری را نیز فقط در شرایط کاملاً ضرور
 باید انجام داد. با شرایط مساعدی که وجود دارد،
 فعالیت انقلابی ما در میان سر بزازان به سرعت قابل
 گسترش است.

نگذارید جوانان را به قتلگاه جنگ ببرند!

فعالیت انقلابی در میان سربازان

گسترش مبارزه در راه صلح ، مخالفت روزافزون مردم علیه رژیم خمینی و بحران عظیمی که جامعه را در بر گرفته است ، در درون ارتش نیز وسیعاً بازتاب دارد. درجه‌ها ، پادگانها و آموزشگاههای نظامی ، ضدیت با جنگ طلبی و سیاستها و اقدامات ارتجاعی حکام جمهوری اسلامی با شکل مختلف صورت میگیرد. سربازان ، افسران و وظیفه و پرسنل مبارزو میهن پرست ارتش مخالفت خود را با فرماندهای جنون آمیز حملات ، خودسری و زورگویی فرماندهان ، بقیه در صفحه ۷

پیام نشریه پیشگام به "درفش جوانان"

از سوی هیئت تحریریه نشریه پیشگام پیامی به مناسبت پنجمین سالگرد انتشار "درفش جوانان" ارگان کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ، برای رفقای هیئت تحریریه این روزنامه فرستاده شد. این پیام در شماره ۴ میزان این روزنامه بچاپ رسید. در قسمت هائوسی از این پیام آمده است:

"رفقای عزیز هیئت تحریریه" درفش جوانان ارگان کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان را به شما رفقای همرزم و همه کارکنان و خوانندگان این نشریه انقلابی و پیشتاز صمیمانه شادباش می گوئیم. نشریه شما به مثابه زبان گویا و بانگ رسای جنبش دموکراتیک جوانان افغانستان ، مبلغ اندیشه های سترگ انقلابی سازمانگر مبارزات توده‌ای جوانان و در درفش کار و پیکار قهرمانانه جوانان در زحمتکش افغان برای ایجاد جامعه‌ای نوین است."

"با آرزوی گسترش همکاریهایی هر چه صمیمانه‌تر و شمربخش‌تر میان "درفش جوانان" و "پیشگام" و ایمان به پیروزی محقوم آرمانمان. فرخنده باد پنجمین سالگرد انتشار "درفش جوانان" افتخار ریسر سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان"

درگذشت نویسنده بزرگ ایران

با کمال تأسف خبر بافتیم که دکتر غلامحسین سعدی هنرمند و نمایشناخته نویسن بزرگ ایرانی در مهاجرت درگذشته است. دکتر سعدی از سالهای دهه ۴۰ نویسندگی را آغاز کرد و به دلیل توانایی و مواضع ترقی خواهانه‌اش به سرعت از مرز مشهور - ترین نویسندگان ایران شد. مبارزه علیه مظالم جامعه سرما به ، داری و انحطاط رژیم پوسیده شاه ، مضمون اکثر داستانها و نمایشناخته‌های او بود. سعدی با معروف ترین آثارش مثل "عزاداران بیل" "چوب بدست‌های وزیل" ، ، "آی باکلاه ، آی بی کلاه" "گوروگهواره" ، ، "هنمایشناخته از انقلاب مشروطیت" و ... تا شیرتار عمیقی بر فضای مبارزاتی و فرهنگی آن دوران برجای گذارد.

در دوران حاکمیت قرون وسطایی خمینی ، او نیز مثل اکثریت هنرمندان شرافتمند ایران در بدری و آوارگی ازمیهن مجبور شد و بالاخره هم در مهاجرت درگذشت.

فقدان دکتر غلامحسین سعدی برای جامعه هنری ، هنر دوستان و مردم ایران ضایع‌ای اندوهبار است. مردم جوانان ایران ، یاد این هنرمند مبارز و ترقیخواه را گرامی می دارند.

در آموزش و پرورش ارتجاع چه می‌گذرد؟

در سمینار روسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور که با شرکت ۵۰۰ نفر درمنظره تهران در مرداد ماه سال جاری برگزار گردید ، مسائل زیر مطرح شد:

الف - قرار شد که در سال تحصیلی ۶۵ - ۶۴ کلیه بوده‌های عمرانی برای ساختن سازهایی تعمیرات ، تجهیزات ، خرید وسایل و غیره به دلیل کمبود بودجه ، قطع گردد و اضافه کاری ها هم قطع شود. اگر وضع به همین منوال پیش رود ، ۵٪ حقوق کارکنان آموزش و پرورش هم کسر می شود.

ب - در سال گذشته در جنوب تهران و کرج تعدادی از مدارس به شکل ۳ نوبتی (صبح - بعد از ظهر - غروب) اداره می شدند . قرار شد که هرچائی که لازم است مدارس ۳ نوبتی ادامه یابد. پیشنهاد شد در برخی مناطق ، مدارس ۴ نوبتی ایجاد گردد.

رئیس آموزش و پرورش کرج می گفت حتی اگر مدارس را چها نوبتی هم کنیم ، باز کمبود مدرسه داریم. ج - در این سمینار به بی برنامگی و شکست اقدامات امورتربیتی از جوانان گوناگون

کردند رئیس یکی از مناطق تهران می گفت : برای ۳ هزار نفر پرستنامه برای شرکت در آروزی تابستانی داده بودیم و برنامها های مختلف هم برایشان تدارک دیدیم که فقط یک نفر آمد. گفته شد "ما معلمین امور تربیتی را نمی توانیم تنها در نقش "مراقب بچه ها" در مدرسه نگهداریم و مجبور شده ایم که به عنوان معلم دینی هم سرکلاسه بفرستیم که در این رشته هم بی تجربه و بیسوادند.

د - دلایل شکست برنامها های امور تربیتی ، تبلیغات گروهها دربین دانش آموزان و طرد و انزوی معلمین پرورشی توسط سایر معلمین مدرسه هاست. به روسای مناطق دستور اکید داده شد که سخت گیری بیشتری در مورد مراقبت از نفوذ گروهها در مدارس ، جلوگیری از فعالیت آنها و شناسایی معلمین مترقی انجام دهند.

در همین سمینار کثیرائی معاون وزیر آموزش و پرورش گفت : " اسال باید کاری کنیم تا همه معلمین زن چادر بپوشند ، بعضی ها می گویند روپوش هم اسلامی است. اما من می گویم اگرمانتو کمی درزش تنگ باشد ، اسلامی نیست. " و سپس اظهار کرد: " شما فشار بیاورید که معلمین چادر به سمر کنند. هرکس اعتراض کرد ، بفرستید من اخراجش کنم."

آدرس :
P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA
اتریش